



Study of *Hijab* with Legal and Epistemologic Approach in Iraninan and Western Law

Reza Hossein Gandomkar¹, Samaneh Najafi²

¹ Associate Professor of Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (**Corresponding Author**), Email: Rh.Gandomkar@qom.ac.ir

² Master's Student in Private Law, Faculty of Law, University of Qom, Email: samsnehnajafi1378@gmail.com

Abstract

Hijab is one of the branches of religion, it is effective in society and it is the subject of special attention and care of religious scholars and religious community, and it is one of the certainties and necessities of Islam, and many verses and *Hadiths* clearly indicate it. The provisions of the satutue law also provide special sanction for violating *Hijab*. The main question of this research is that from an epistemological and educational perspective in the Islamic system, what is the basis and necessity of *Hijab* and the legal sanction of its violation? In response, with the descriptive and analytical method, we came to the conclusion that the fundamental goal of religion is to educate and develop man, and to rise to righteousness and his path towards God. *Hijab* is considered one of the necessities and prerequisites for human growth, and from this perspective, its scope and limits, and the necessity of observing it by both men and women, are also determined. Purpose of religion and the religious government is to create a basis for human development and to achieve happiness in the hereafter and the prerequisite of this purpose is to clean the society from any pollution that disturbs and hinders human growth. In addition to creating a healthy and constructive environment and cultivating and educating people, with evidence, Quran, and standards, Holy lawyer deals with any kind of corruption and deviation, and in the legal system has enacted civil and criminal sanctions for violatating it. *Hijab* is special for men and women to moderate and control their emotions and passions and to create immunity and for the active presence of men and women in the society, and it causes the removal of many sins and corruptions and is the basis for attaining divine nearness. In the Western worldview based on humanism, individualism, the principle of hedonism and the originality of the human body, especially women's, is reduced to the level of a tool and manifestations of clothing that contradict this principle are fought against.

Keywords: *Hijab*, scope of *Hijab*, necessity of *Hijab*, foundation of *Hijab*, sanction of of *Hijab*.

Received: 2024/04/16 ; **Revised:** 2024/07/12 ; **Accepted:** 2024/08/26 ; **Published online:** 2024/09/22

How To Cite: Gandomkar, Reza Hossein; Najafi, Samaneh (2024). Study of *Hijab* with Legal and Epistemologic Approach in Iraninan and Western Law, *Comparative Study on Islamic and Western Law*, 11(3), 187-208. <https://doi.org/10.22091/csiw.2024.10624.2530>

Published by: University of Qom

© The Author(s)

Article type: Research





بررسی مسئله حجاب با رویکرد معرفتی، حقوقی در حقوق ایران و غرب

رضاحسین گندمکار^۱، سمانه نجفی^۲

^۱ دانشیار حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: Rh.Gandomkar@Qom.ac.ir
^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، رایانامه: samsnehnajafi1378@gmail.com

چکیده

حجاب از فروع دین است مؤثر در اجتماع و مورد توجه خاص و عنایت علما دین و جامعه دینی و از مسلمات و ضرورت‌های اسلام است و آیات و روایات زیادی به‌وضوح بر آن دلالت دارند. همچنین، مقررات حقوق موضوعه هم ضمانت اجراهای خاصی برای تخطی از حجاب در نظر گرفته است. سؤال اصلی این پژوهش این است که از منظر معرفتی و تربیتی در نظام اسلامی، مبنا و ضرورت حجاب و ضمانت اجرای حقوقی تخلف از آن چیست؟ در پاسخ، با روش توصیفی تحلیلی به این نتیجه رسیدیم که هدف اساسی دین، تربیت و رشد انسان و قیام به قسط و سیر او به سوی خداوند است. حجاب از لوازم و مقدمات رشد آدمی به شمار می‌آید و با این دید، وسعت و حدود آن و لزوم رعایت آن از سوی زن و مرد نیز مشخص می‌شود. هدف دین و حکومت دینی ایجاد زمینه رشد انسان و وصول به سعادت اخروی و لازمه این هدف پاک‌سازی جامعه از هرگونه آلودگی مزاحم و مانع رشد انسان است. شارع مقدس در کنار بسترسازی محیط سالم و سازنده و تزکیه و تعلیم انسان‌ها با بینات و کتاب و میزان با هر نوع فساد و انحراف برخورد می‌نماید و در نظام حقوقی ضمانت اجراهای مدنی و کیفری برای تخطی از آن وضع شده است. حجاب ویژه زن و مرد و برای تعدیل و کنترل عواطف و تمایلات و ایجاد مصونیت و حضور فعال زن و مرد در جامعه بوده و موجب حذف بسیاری از گناهان و مفاسد و زمینه وصول قرب الهی است. در جهان بینی غرب بر مبنای اومانیسیم و فردگرایی و اصل لذت‌گرایی و اصالت جسم انسان به‌ویژه زن در حد یک ابزار تنزل می‌یابد و با مظاهر پوشش که منافی این اصل باشد، مبارزه می‌شود.

کلیدواژه‌ها: حجاب، حدود حجاب، ضرورت حجاب، زیربنای حجاب، ضمانت اجرای حجاب.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵؛ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱
استاد به این مقاله: گندمکار، رضاحسین؛ نجفی، سمانه (۱۴۰۳). بررسی مسئله حجاب با رویکرد معرفتی، حقوقی در حقوق ایران و غرب، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۱(۳)، ۱۸۷-۲۰۸. <https://doi.org/10.22091/csiw.2024.10624.2530>



مقدمه

حجاب از جمله احکام ضروری اسلام است. حجاب و پوشش از جمله هنجارهای فرهنگ دینی و بومی ما ایرانیان است که مبارزه با آن یکی از مهم‌ترین جنبه‌های جنگ نرم دشمنان انقلاب اسلامی است. به مسئله حجاب از زوایای اجتماعی فردی و روانی و اجتماعی پوششی، رفتاری، دیداری، گفتاری و شنیداری می‌توان پرداخت، لیکن آنچه در این مقاله مورد توجه است بررسی آن از بعد معرفتی و حقوقی است. سؤالی که در این رابطه مطرح می‌شود این است که نقش و اثر نظام تربیتی اسلام و معرفت و عقاید در لزوم این مسئله چیست؟ و آیا حکومت اسلامی و نظام حقوقی می‌تواند افراد را به رعایت آن الزام نماید؟ علی‌رغم تحقیقاتی که از زوایای گوناگون در خصوص مسئله حجاب در کتب و مقالات علمی صورت گرفته است، تحلیل ضرورت رعایت حجاب بر مبنای نظام تربیتی و معرفتی و ضمانت اجرای حقوقی آن به صورتی جامع انجام نشده است. پرداختن به این بُعد از ابعاد ضرورت حجاب در حد خود نوعی نوآوری است و با توجه به شبهاتی که امروزه در این مورد مطرح است، ضرورت دفاع عقلانی و مستند به احکام دین تبیین مسئله حجاب همچنان ضروری است.

به شهادت آیات قرآن کریم هدف اصلی ارسال رسل و انزال کتب قیام انسان به قسط است (سوره حدید، آیه ۲۵)، یعنی انسان با بینات و کتاب و میزان باید خود برپا بایستد، نه او را بر پا بدارند. برای آنکه انسان به این موقعیت برسد لازم است با بررسی استعدادهاى خود به نقش و موقعیت خویش در این جهان واقف شود و برای این سیر فکری و در ادامه طی این مسیر بی‌نهایت (سیر الی الله) باید موانع درونی (تزکیه) و بیرونی (اصرها و اغلال) او از میان برداشته شود. یکی از موانع تربیت و طی مسیر الی الله بی‌حجابی یا بدحجابی است؛ زیرا این مانع می‌تواند به‌عنوان سدی در مسیر حرکت و عامل انحراف و گمراهی انسان ذاهب باشد و به‌جای توجه و سیر به‌سوی مقصد اصلی انسان متوجه سرگرمی‌ها و هوس‌های دنیوی شود. بر این اساس اسلام در کنار پاک‌سازی درونی انسان به کنترل و رفع موانع بیرونی این سیر توجه نموده است و با وضع قواعد خاص کنترل‌کننده مسیر سیر به‌سوی سعادت را فراهم نموده است.

وظیفه حکومت اسلامی ایجاد زمینه مناسب برای رشد و پرورش استعدادهاى انسانی در راستای هدف مذکور است و نمی‌توان به توصیه‌های اخلاقی و ارشادی صرف بسنده نمود و باید با شرایط خاصی ضمانت اجرای مؤثر حقوقی برای بدحجابی و بی‌حجابی وضع نمود. در جهان بینی غربی با نفی معنویت و رابطه انسان با خدا و اصالت انسان (اومانیسزم) و لذت‌گرایی و تفاوت من شرقی و غربی و سلطه نظام سرمایه‌داری مبتنی بر بیش‌مادی انسان در حکم یک وسیله برای مصرف کردن و مصرف شدن است و جنسیت در استخدام این نظام حریص فزون‌طلب قرار می‌گیرد و این دیدگاه شکل و نوع لباس را تعیین می‌کند. هدف از نگارش این مقاله بررسی حکم فقهی حجاب به معنای اخص نیست،

بلکه رویکردی معرفتی و تربیتی به این مسئله است و در کنار این رویکرد اصلی به برخی ضمانت‌های اجرایی حقوقی در حقوق موضوعه اشاره شده است. این مقاله در چهار گفتار شامل مبانی حجاب، حکم حجاب، وظیفه حکومت اسلامی در حفظ حجاب و ضمانت اجرای حقوقی حجاب ارائه می‌گردد.

۱. مفهوم حجاب

از لحاظ لغوی حجاب هم به معنای پوشیدن و هم به معنای پرده استعمال می‌شود. بعضی از اهل لغت حجاب را پوشش، پرده وسیله حائل معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۸، طریحی، ۱۳۷۵: ۳۴) و بعضی هم آن را به چیزی که مانع چیزی از چیز دیگر شود، معنا کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸۶). در کلام اهل لغت به جای حجاب از واژه ستر به معنای پوشش استفاده شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۲: ۳۹۶) که معنای دقیق‌تری است. پس حجاب هم به معنی پوشیدن و هم به معنی پرده و حاجب است و از آن جهت، معنی پرده می‌دهد که پرده به معنای پوشش است (مطهری، ۱۳۸۶: ۷۲). در قرآن حجاب به معنی پرده و حائل است (اعراف: ۳۶ - اسراء: ۴۵ - مریم: ۱۷). آیا عنایت به معنای پوشش، پرده و حائل و معنی متعارف آن حجاب پوشش زن در برابر نامحرم است (دانش، ۱۳۹۶: ۲۵). بر اساس آنچه امروزه در میان مسلمانان به کار می‌رود، مقصود از حجاب، پوشش اسلامی است و مقصود از پوشش اسلامی زن، به‌عنوان یکی از احکام و جویب اسلام این است که زنان هنگام معاشرت با مردان، بدن خود را بپوشانند. مراد از حجاب اسلامی حریم قائل شدن با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار مثل نحوه پوشش نگاه حرف زدن و راه رفتن است (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۴۰۲).

۲. مبانی معرفتی حجاب

احکام اسلامی زمینه و مبانی معرفتی خاص خود را دارد و تا این ریشه و زمینه‌ها بررسی و تحلیل نشود، احکام تحقق نمی‌یابد و چه بسا مبهم و صرفاً الزامی خشک هستند. احکام اسلامی دارای زیربناها و مبانی است که از آن‌ها مایه می‌گیرند و بارور می‌شوند. اگر زمینه و شناخت نباشد، آنچه هنر و علم و فلسفه ارائه می‌دهند سؤال‌های بیشتری را مطرح و رنج و درد بیشتری را در انسان به وجود می‌آورد و دردهای عمیق‌تری را مطرح می‌کند. این زمینه‌ها را می‌توان در عناوین زیر خلاصه کرد:

۱-۲. شناخت و عشق

شناخت و جهان‌بینی زمینه‌ای است که عشق و عقیده را به وجود می‌آورد و این عقیده زیربنا و ریشه‌ای برای اجرای احکام است. بدون این زیربناها و شناخت‌ها نمی‌توان قانون و احکامی را تحقق بخشید که انسان را به گذشت و ایثار برساند، انسان در صورتی از خود و عادت‌ها و انس‌هایش جدا می‌شود که نیرو و عشق قوی‌تر و عالی‌تری در او شکل گرفته باشد و در وجود او رخنه و تثبیت شده باشد تا او را راه ببرد و به

حرکت وادار کند تا چنین عشق و شوقی در درون انسان رسوخ و نفوذ نکند، حرکتی هم شکل نمی‌گیرد. با اکراه و غلظاندن نمی‌شود کسی را به انجام کاری و یا گرایش به عقیده‌ای وادار نمود. باید عشق‌ها و محرک‌ها در دل انسان جای گیرد و الا حرکتی و شوری و عشقی ایجاد نمی‌کنند. در خصوص پذیرش دین قرآن کریم فرموده است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (سوره بقره: آیه ۲۸۶). انسان مؤمن برای تحمل بار احکام نیاز به ریشه و زمینه و عشق دارد. اساس این زمینه تفکر در انسان، جهان هستی و نقش انسان در جهان است. این شناخت انسان را به عقیده‌ها و به دنبال آن نظام‌ها و احکام می‌رساند. انسان با تفکر استعدادهاى عظیم خود را می‌یابد و با شناخت استعدادها برنامه و نقش خود در این دنیا و بعد مسافت و مسیری که باید طی کند نمایان می‌شود «أَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى» (سوره نجم: آیه ۴۲).

انسان در می‌یابد آنچه دارد از او نیست از سرچشمه لایزال دیگری است، دیروز فقیر بود و امروز دارا است و فردا هم این‌ها را از دست خواهد داد. این محکومیت او را به حاکم می‌رساند (خدا). قوانین حاکم بر جهان به شهادت سوره توحید نشانه تنظیم‌کننده‌ای نامحدود، یگانه، بی‌نیاز و بی‌مانند است. حاکمی با رحمت، محبت، بخشش، جمال و کمال. زیبایی مطلق از آن اوست نقص‌ها را به کمال می‌رساند، مهربانی را او در دل انسان و هستی کاشته و نیاز گذشته و حال و آینده انسان را تأمین نموده است. با این فقر و ضعف در خود و آن، غنا، کمال، محبت و... در او انسان به او گرایش می‌یابد و عشق او انسان را به هر کاری و می‌دارد. هر چه معشوق بزرگتر حرکت زیادت و خسارت کمتر خواهد بود (صفایی حائری: ۱۴۰۲: ص ۱۸). در نگرش غربی اومانیسیم و فردگرایی انسان را موجودی زمینی و مادی می‌داند (رضوانی: ۱۳۹۰: ۱۹۳).

اومانیسیم انسان را به دنبال لذت و زیبایی دعوت و زیبایی‌های مادی و غرایز را اصالت می‌بخشد (زیبایی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۲۰). لذت‌گرایی و برخوردارى هرچه بیشتر فرد از لذت سعادت او تلقی می‌شود و این لذت بردن ارزش ذاتی داشته و برای هر فرد لذت و خوشی او مطلوب است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۱۷۲). در این نوع جهان‌بینی خدا و معنویت در زندگی نقشی ندارد و انسان با حیوان تفاوتی ندارد و مقصدی هم ندارد، لذا باید در همین دنیای محدود بیشترین لذت را ببرد. یکی از محورهای لذت بخشی تن انسان است و تن یکی از آبخورهای لذت است. اگر زن تن خود را به نمایش نگذارد و او را نبینند، ارزشی ندارد (حداد عادل، ۱۳۸۹: ۱۱). پوشش او باید لعابی بر بدن او باشد، نه وسیله‌ای برای ستر او. روانشناسی جنسی، تعیین‌کننده لباس است. این نوع نگرش در مجسمه‌های داوود میکلا آثر و تصویر حضرت مریم مقدس نیز عیان است.

۲-۲. تفکر در استعدادها و حرکت انسان

انسان با تفکر در خود، سرمایه‌ها و استعدادهاى عظیم را می‌یابد و به این نتیجه می‌رسد که نقش او تنها در رفاه، خور و خواب، شهوت و لذت نیست؛ زیرا برای دستیابی به این‌ها، این همه سرمایه و استعداد لازم

نمود و با غرایز نیز می‌توانست به آن‌ها دست یابد. با شناخت استعدادها و تضادهای آن‌ها، مشخص می‌شود که کار انسان حرکت است و رفتن، و دنیا به‌عنوان راهی برای این حرکت معنا می‌یابد (خذوا من ممرکم لمقرکم؛ سید رضی، نهج البلاغه: خطبه ۱) و در این راه نباید سنگ راه دیگران شد و آن‌ها را به خود متوجه ساخت، بلکه باید به‌گونه‌ای عمل کرد که انسان‌ها متوجه معبود حقیقی باشند و توجهات به او جلب شود (صفایی حائری، ۱۳۸۷: ۳۵). با شناخت مقدار استعدادها طول راه مشخص می‌شود، استعداد ما ادامه ما و طول مسیر تکاملی ما را نشان می‌دهد. علی (ع) می‌فرماید: «آه من قله الزاد و طول الطریق» (سید رضی، نهج البلاغه: حکمت ۷۷). طی این مسیر طولانی با سرگرمی و مشغول شدن به لذات دنیوی امکان‌پذیر نیست، بلکه شهوات و لذات سنگ راه و مانع رسیدن است و عدم پوشش و جذابیت‌های ظاهری زن و مرد موجب گم کردن راه و مانع رشد و حرکت انسان مؤمن در مسیر تعالی است.

۳-۲. نقش انسان در هستی

جهان گسترده و دنیا راه و کار انسان حرکت و در این مسیر باید از قوانینی که در هستی گذاشته شده بهره‌برداری و آن‌ها را با این حرکت هماهنگ کند. انسانی که دنیا را وسیع می‌بیند در تنگنای یک مرحله نمی‌ماند و هنگامی که عظمت خود را یافت به کم قانع نمی‌شود. نقش انسان در هستی بارور کردن استعدادها و باروری آن‌هاست که فرموده‌اند: «الدنيا مزرعة الاخرة» (ابن ابی جمهور، ۱۳۹۷: ۶۶) و با این درک از جهان و نقش انسان باید به قوانینی ملتزم بود که خالق هستی برای رشد و سعادت انسان و بهره‌برداری درست از امکانات دنیا وضع نموده است. با این شناخت و عقیده‌ها در انسان مایه‌ای می‌آید و اینجا احکام و نظام‌ها مشخص می‌شود.

پس احکام اسلام زمینه و زیربنای خاصی دارد. زمینه‌اش شعور و حکمت در هستی و ریشه‌اش عشق به الله است. اینجاست که می‌توان بحث از احکام و حجاب را مطرح کرد؛ بدون این شناخت، احکام اسلام قابل بحث نیست. وقتی انسان خود را در فاصله گهواره تا گور می‌بیند و هدفش زنده‌به‌گور کردن استعدادهای خود است، بحث حجاب جایی ندارد. در بحث حجاب باید از زیربنای آن یعنی شناخت قدر، عظمت، نقش انسان در هستی، دگرگونی در تلقی انسان از خویشتن و دوری از تنوع، تکرار، خوشی و سرگرمی بحث کرد. اگر هدف زندگی بازی، نمایش، تنوع و سرگرمی باشد، سخن از حجاب نامفهوم است و موجب سنگینی و نفی نشاط و نابودی شادی‌ها می‌شود، همچنین بهانه‌ها و توجیحات مختلفی برای رهایی از آن به‌وجود می‌آورد.

۴-۲. حکم حجاب

قرآن کریم در آیات متعددی از جمله آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور حکم حجاب را بین کرده است (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، تفسیر نمونه، ج ۳: ۶۰۹). در این آیات به مردان و زنان مؤمن

یعنی آن‌هایی که هدف و جهت خاصی پیدا کرده‌اند و به آن جهت گرایش خاصی دارند و در آن جهت حرکت می‌کنند، دستوراتی داده شده است (صفایی حائری، ۱۴۰۲: ۴۷). مادام که انسان به حد ایمان نرسیده، نمی‌توان به او دستور داد و از او چیزی خواست. این آیات در مدینه و هنگام استحکام زیر بناها و زمینه‌ها و برای مؤمنان مطرح شد. اسلام و ایمان تغییری در نگرش انسان‌ها و فکر و تلقی آن‌ها بود. وقتی فکرها و فرهنگ‌ها عوض شد، لباس‌ها نیز عوض می‌گردد. وقتی مغزها و فکرها تغییر کند، لباس‌ها هم تغییر می‌کند؛ در غیر این صورت، پوشش جز سنگینی و خستگی ارغامی ندارد.

آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور خطاب به کسانی است که دنیا راه، راه و انسان را متحرک و استعداد عظیم او را شناخته‌اند؛ لذا نگاه‌ها باید حساب شده و کنترل شده باشد و کسی نمی‌تواند در این راه سدی به پا کند و با حرکت و نگاه... انحرافی به وجود آورد. باید نگاه‌ها تیز نباشد، چشم‌ها فرو افتد، دیدگاه‌ها محفوظ بماند و زینت‌ها نیز آشکار نشود. آرایش‌ها و جلوه‌هایی که چشم‌ها را بیدار می‌کند و آرایش‌هایی که اعتقادها را از هم می‌درد، باید کنترل شود. پس نگاه‌ها باید کنترل شود و حرف‌ها نرم باشد. برآمدگی‌ها مشخص نمی‌شود و لباس‌ها نباید محفوظ و ولنگار باشد. پس حجاب از احکام است و ریشه در جهان بینی و شناخت انسان و نقش او در هستی دارد. ریشه‌اش عشق به حق و رشد خلق است. عاشق حق، عاشق خلق می‌شود و حرکت و رشد آن‌ها را می‌خواهد و نمی‌تواند خلق را به سوی خود بکشد، بلکه باتلاق آن‌ها می‌شود.

از جمله آثار حجاب، پیشگیری از نگاه آلوده و به دنبال آن جنسی و حیوانی برخورد کردن با زنان است (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۴۳۸). گسترش پوشش زنان در جامعه، فکر و ذهن مرد را از توجه زیاد به بدن زنان منصرف می‌کند و زنان را به انسانی واجد استعدادهای گوناگون در جامعه تبدیل می‌کند. یکی از مهم‌ترین مبانی حجاب، مبناى عقیده و ارزش انسان است و مبناى دیگر همبستگی و ارتباط انسان‌ها با هم و تسری خوبی‌ها و بدی‌های آنان به یکدیگر است. پس اگر تلقی انسان از خویش و نقش او در جهان عوض شد، هنگامی که قدر و استعدادهای انسان کشف و به او معرفی شد و خود را برتر از دنیا دید و دنیا راه، راه و معبر دید و دنیا را شناخت و محدودیت آن را درک کرد و نقش انسان تحرک بود و نه تنوع، نباید سد و مانع دیگران شد و موجب فساد و تباهی دیگران شد و اگر کسی با عمل ما دچار تباهی و فساد شد، ما مسئول هستیم و فساد ما به دیگران سرایت می‌کند و برعکس، زیرا جامعه مرتبط است.

نکته دیگر وسعت حجاب است که محدود به زن نیست، بلکه مرد هم باید حجاب را رعایت کند و دلی را به خود جلب نکند و با این بینش نیز مقدار وسعت حجاب نیز مشخص می‌شود. قرآن کریم پیش از آنکه به زنان دستور رعایت حجاب داده باشد، به مردان امر کرده که حجابی در مقابل چشمانشان قرار دهند. در آیه ۳۰ سوره نور می‌خوانیم: «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند.» بر همین اساس است که در احکام شرعی، بخش مجزایی با عنوان احکام نگاه کردن وجود دارد. این موضوع یکی از مصداق‌های عفاف مردانه است.

۳. وظیفه حکومت اسلامی در حفظ حجاب

مردم و حکومت اسلامی هم در این خصوص وظیفه پیدا می‌کنند و باید موانع راه سعادت افراد را در مسیر تکامل الی الله و سعادت و رشد کنترل کرد؛ لذا وضع مقررات حقوقی هم از این ضرورت ناشی می‌شود و باید به تبیین نقش و جایگاه حکومت در پاکیزگی حیات فردی و اجتماعی و سوق دادن انسان به سمت کمال پرداخت. چون وظیفه حکومت اسلامی تأمین سعادت دنیوی و اخروی افراد است و بی‌حجابی سد و مانع رسیدن به سعادت حکومت می‌تواند افراد را به رعایت آن الزام کند (مهدوی‌زادگان، ۱۳۸۶: ۳۱).

حکومت وظیفه دارد در جهت گسترش حجاب و پوشش اسلامی، برنامه‌ریزی کند و سیاست‌هایی را اعمال کند تا جامعه به‌سوی رعایت حجاب و عفاف پیش رود. حجاب از جمله واجبات احکام اسلامی است و چه آن را از امور اجتماعی و چه از امور فردی بدانیم، حکومت باید زمینه‌های تحقق آن را فراهم نماید. در این خصوص باید از همه مراتب امر و نهی قلبی و زبانی و عملی با شیوه‌های هنری و مؤثر و کارشناسی شده برای ترویج حجاب با رعایت مصالح زمانه بهره‌گیرد.

۱-۳. هدف حکومت اسلامی

با بررسی اهداف حکومت‌ها در سیر تاریخی آنان به‌طور کلی می‌توان اهداف زیر را یافت:

امنیت و پاسداری از منافع جمعی و جلوگیری از ظلم؛

رفاه و ایجاد آرامش و بهداشت و توسعه؛

تربیت و به‌پا ایستادن با بینات و کتاب و میزان (سوره حدید: آیه ۲۵)؛

شکوفای کردن استعدادهای انسان «لِثِيروا فیهِم دفاين العقول» (سید رضی، نهج البلاغه: خطبه ۱)؛

تشکیل جامعه انسانی و تکامل و رشد انسان و به‌تمامیت رساندن مکارم اخلاق (مجلسی، ۱۳۱۵،

ج ۶۷: ۲۷۲)؛

اقامه قسط و عدل؛

امر به معروف و نهی از منکر؛

ترکیه و تعلیم رفع اغلال و اوزار (سوره اعراف: آیه ۵۷)؛

رشد و تحول انسان اقامه حق و امانه باطل؛

درنهایت برپاداشتن انسان‌ها به قسط (لیقوم الناس بالقسط)؛

و به‌گواهی نهج البلاغه امام و حاکم نسبت به مردم حقوقی دارد. اول، نصیحت و دلسوزی و رساندن

آن‌ها به رشد و تعالی؛ دوم، تعلیم آن‌ها در تمام زندگی و دنیا و آخرت و ایجاد بینش و بصیرت.

در حکومت اسلامی تمامی اهداف مذکور وجود دارد، لیکن این اهداف مقدمه آن است که انسان بر

پا ایستد و انتخاب کند که آیات قرآن در سوره‌های متعدد به این امر اشعار دارد. در سوره انفال آیه ۴۳

می‌فرماید: «أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا وَ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا» و در آیه ۲۵ سوره حدید

می فرماید: «إِنَّا أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ». حسب قسمت آخر آیه هدف غایی از ارسال رسل و انزال کتب آسمانی آن است که انسان به قسط به پا داشته شود و برای بر پا ایستادن به قسط انسان نیاز به آموزش بینات و قانون و میزان و رهایی از شهوات و پرهیز از توجه به غیر معبود و آفریدگار هستی دارد، در غیر این صورت در باتلاق لذت‌های زودگذر دنیا فرو خواهد رفت و از تحقق هدف غایی خلقت باز خواهد ماند. هدف حکومت غربی تأمین امنیت و رفاه مادی انسان است و هدف غایی و معنوی را برای انسان نمی‌شناسد و اصالت را به غریزه و حاکمیت امیال نفسانی می‌دهد و حتی این نوع تلقی از حقیقت انسان را نشانه فرهنگ و علم و دموکراسی می‌شناسد و من شرقی را ضد فرهنگ و سنتی و... می‌بیند (بشیر، ۱۳۹۰: ۴۷).

۳-۲. جایگاه حجاب و ضمانت اجرای آن در حقوق ایران

۳-۲-۱. جایگاه حجاب

نظام جمهوری اسلامی بر اساس جهان‌بینی و آموزه‌های دین مقدس اسلام به خصوص مذهب شیعه و در جهت تحقق آرمان‌های اصیل و متعالی برای فرد و جامعه شکل گرفت. خواست قلبی ملت ایران پس از سال‌ها حاکمیت استبدادی در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ تجلی یافت و این میثاق ملی مبین نهادهای فرهنگی اقتصادی و اجتماعی و... بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است (مقدمه قانون اساسی). این قانون در راستای اهداف حکومت و نگرش خاص اسلام به انسان و زمینه‌سازی برای رسیدن انسان به رشد و تعالی و زدودن مفاسد فردی و اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای سالم برای پرورش استعدادها و تکامل انسان‌ها در اصول متعددی به اهمیت و ضرورت سلامت فرد و جامعه و وظیفه حکومت اسلامی در این رابطه پرداخته است. اصول قانون اساسی ناظر به لزوم تحقق این وظیفه مهم عبارت است از: ۱. تحول فکری و عقیدتی و سیر الی الله انسان و حکومت صالحان (مقدمه قانون اساسی)؛ ۲. هدف حکومت رشد دادن انسان و حرکت به سوی نظام الهی (و الی الله المصیر) است تا زمینه بروز رشد و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خدا گونگی انسان فراهم آید (تخلّقوا باخلاق الله)؛ ۳. اهمیت به خانواده به عنوان زمینه‌ساز رشد و تعالی و تکامل انسان و وظیفه حکومت در جهت فراهم کردن امکانات برای این مقصود و خارج کردن زن از حالت یدکشی یا ابزار در خدمت فرهنگ مصرفی و استثمار (مقدمه قانون اساسی)؛ ۴. توجه به کرامت و ارزش والای انسانی و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا به عنوان یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی (بند ۵ اصل ۲ ق: ۱)؛ ۵. وظیفه دولت در ایجاد محیط مناسب برای رشد فضایل اخلاقی و مبارزه با مظاهر فساد و تباهی (بند ۱ اصل ۳ ق: ۱) وظیفه همگانی و متقابل مردم نسبت به هم و مردم نسبت به دولت در امر به معروف و نهی از منکر (اصل ۸ ق: ۱)؛ ۶. پاسداری از قداست خانواده و استواری آن بر اساس حقوق و اخلاق (اصل ۱۰ ق: ۱)؛ ۷. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او (بند ۱ اصل ۲۱)؛ ۸. اقتصاد به عنوان وسیله و نه هدف برای رفع نیازهای

انسان در جریان رشد و تکامل و فراهم نمودن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های انسانی (مقدمه قانون اساسی)؛ ۹. پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین (بند ۵ اصل ۱۵۶).

این اصول در راستا و بر مبنای جهان‌بینی اسلامی و نوع نگاه اسلام به انسان و نقش انسان در هستی و مسئولیت او تنظیم شده، وظیفه سنگین دولت اسلامی را در جهت رشد و تکامل انسان و رفع موانع تکامل او بیان می‌کند و بالتبع یکی از موانع حرکت تکاملی انسان و تحقق جامعه سالم و خانواده سالم گسترش بی‌بندوباری و بی‌حجابی است که موجب ترویج فساد و گمراهی انسان و غافل شدن از سیر به‌سوی تعالی است که نمونه بارز این انحطاط و فساد دامنگیر در جوامع غربی مشاهده می‌شود. لذا برخلاف تصور برخی حکومت اسلامی وظیفه هدایت پاسداری رشد و پاک‌سازی و تزکیه جامعه را بر عهده دارد. دولت مکلف به اجرای اصول مذکور است و اجرای این تکلیف الزامات متعددی را لازم دارد که از جمله آن‌ها الزام اشخاص به رعایت امنیت و سلامت جسمی و روانی افراد جامعه است و بالتبع در صورت تخلف افراد دولت می‌تواند از ضمانت اجراهای حقوقی در خصوص نیل به اهداف و وظایف مزبور استفاده کند اقتضای حکومت و تکلیف الزام است و به تناسب اختیارات و وظایف حکومت الزام هست حکومت مربوط به ساحت عمل است و نه نظر حاکم اسلامی در پی الزام به پذیرش تکلیف نیست بلکه در پی تحقق آن است؛ زیرا قبل از این الزام افراد این واجب را پذیرفته‌اند (مه‌دوی‌زادگان، ۱۳۸۶: ۲۳) ... در جهت تحقق این اهداف در قوانین عادی حمایت‌های مختلفی از حجاب و مبارزه با بدحجابی به عمل آمده است. با توجه به آنچه در فرازهای قبلی ذکر شد حکومت‌های غربی بر مبنای اصالت انسان و اصل لذت‌گرایی و اصالت تن و در کنار آن حاکمیت نظام سرمایه‌داری نه‌تنها وظیفه‌ای برای رعایت پوشش ندارد بلکه برعکس در جهت تحقق اهداف مذکور باید هر چه بیشتر در جهت برهنگی و نمایش زیبایی‌های انسان بخصوص جنس زن گام بردارد و هر نوع مانعی را در این راه برطرف کند و با هر عاملی که مانعی در جهت این اهداف مادی‌گرایانه ایجاد کند مبارزه کند نمونه بارز این نوع مبارزه برخوردهای خشن با زنان و دختران محجبه در جوامع غربی بخصوص در مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها است (فرید، هروی، ۱۳۹۱: ۱-۲).

۳-۲-۲. ضمانت اجرای حجاب در نظام جمهوری اسلامی ایران

در حقوق ایران تظاهر به عمل حرام ممنوع است. طبق ماده ۶۳۸ (ق.م.ا) هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر مجازات عمل، به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد و اگر مرتکب عملی شود که نفس آن عمل، مجازات ندارد، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، تنها به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

بی‌حجابی از اعمال حرام و مرجع تعریف حجاب مورد نظر قانون، شارع مقدس و فقه امامیه است. مطابق اصل ۱۶۷ (ق.ا) قاضی موظف است در صورت فقدان حکم دعوا در قوانین، با استناد به منابع

معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید. در تعریف و حدود حجاب شرعی، آنچه در فقه امامیه بر سر آن اجماع شده، آن است که تمام بدن زن به جز صورت (وجه) و کف دستان (کفین)، در حکم عورت است و زن باید آن را از دیدگان بیگانه بپوشاند (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۶۵). تبصره این ماده که اصلاحی سال ۱۳۹۹ است در رابطه با جزای نقدی بی حجابی، مقرر می‌دارد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه و یا از ۲ میلیون تا ۱۰ میلیون ریال جزای نقدی، محکوم می‌شوند.» بر این اساس، هر عملی که شرم و حیای یک جامعه را خدشه‌دار سازد، منافی عفت نامیده می‌شود. به عبارت بهتر، هر عملی که در نظر اکثریت شهروندان یک جامعه با توجه به افکار و اعتقادات مذهبی، اخلاقی و آداب و رسوم اجتماعی آنان قبیح و شرم‌آور باشد، منافی عفت است و تشخیص آن بر عهده قاضی محکمه است.

جرم از نظر شرعی و قانونی عبارت است از هرگونه فعل یا ترک فعلی که مورد نهی شارع و قانون‌گذار و مستوجب کیفر و عقوبت است؛ مانند بدحجابی و... قانون‌گذار با وضع این ماده قانونی انجام هر عمل حرامی را که جرم تلقی شود، به نحو علنی قابل مجازات اعلام کرده است (ماده ۲ ق.م.ا). همان‌طور که مشخص است، در متن ماده اشاره مستقیم به موضوع بی حجابی نشده و عنوان کلی تظاهر به عمل حرام بیان شده است و تبصره این ماده مستقیماً به موضوع بی حجابی اشاره دارد که شامل بدحجابی نمی‌شود. با توجه به اینکه جرم بی حجابی، از جرائم مشهود است، اگر مأموران نیروی انتظامی در همان لحظه، اقدامی انجام ندهند، از نظر قانونی، بعد از آن نمی‌توانند، بدون دستور مقام قضایی اقدامی انجام دهند.

پیش از وضع ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵، مستند قانونی جرم رعایت نکردن حجاب شرعی، ماده چهار قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملاءعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند، مصوب ۱۳۶۵ بود. مطابق این ماده، کسانی که در انظار عمومی، وضع پوشیدن لباس و آرایش آنان خلاف شرع و یا موجب ترویج فساد و یا هتک عفت عمومی باشد، توقیف و خارج از نوبت در دادگاه صالح، محاکمه و حسب مورد، به یکی از مجازات‌های مذکور در ماده دو محکوم می‌گردند.

ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، ورود خاص بر عام است؛ چراکه ماده چهار برای همه اشخاص عمومیت دارد، ولی قانون مجازات اسلامی تنها به جرم نداشتن حجاب شرعی در زنان اختصاص یافته است. بنابراین، قانون مجازات اسلامی در حدود تعارض، قانون سابق خود را تخصیص زده است. البته قانون ذکر شده، همچنان به اعتبار خود باقی بوده و مستند قانونی برای جرم رعایت نکردن پوشش شرعی از سوی مردان است.

رکن مادی: رعایت نکردن حجاب شرعی، رکن مادی این جرم است. ترک فعل، رفتار تشکیل دهنده این جرم است. این جرم عبارت است از رعایت نکردن و ترک انجام یک تکلیف وظیفه قانونی که همان مراعات حجاب شرعی در انظار عمومی از سوی بانوان است. از ویژگی‌های جرائم مبتنی بر ترک فعل، سهولت اثبات آن است؛ زیرا این قبیل جرائم، امر حدوثی نیست که خلاف اصل عدم بوده و نیازمند اثبات باشد، بلکه امری عدمی و موافق با اصل است. باید دانست به کار بردن اصطلاح رایج بدحجابی در مورد جرم رعایت نکردن حجاب شرعی از سوی زنان، مفهوم جامع و صحیحی نیست؛ به دلیل آنکه رعایت نکردن حجاب شرعی، امری عدمی در مقابل مراعات حجاب شرعی است که امری ایجابی است. پس نتیجه می‌گیریم، با دوران امر میان دو مفهوم (حجاب شرعی) و (نبود حجاب شرعی) مواجه هستیم که قانون‌گذار نیز بدان تصریح کرده است.

جرم عدم رعایت حجاب شرعی از جمله جرائم معاونت بردار است. مطابق ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی معاون در جرم کسی است که ۱. دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود؛ ۲. با علم و عمد، وسایل ارتکاب جرم را فراهم کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد؛ ۳. عالماً و عامداً وقوع جرم را تسهیل کند.

از جمله مصداق‌های معاونت در جرم مورد بحث، تهیه وسایل ارتکاب این جرم یعنی لباس‌هایی است که استفاده از آن در ملأعام خلاف شرع بوده و از مصداق‌های نداشتن حجاب شرعی موضوع ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی باشد. بنابراین، تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و فروشندگان این نوع لباس‌ها مشمول بند دو ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی هستند و تحت تعقیب قانون قرار خواهند گرفت. البته قانون‌گذار با هدف پیش‌گیری از جرم و جلوگیری از گسترش وسایل جرم، این نوع معاونت در جرم را موضوع جرم مستقلی قرار داده است که مشمول قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملأعام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند، می‌شود. از سوی دیگر، فردی که زنان را به هر شیوه‌ای به بی‌حجابی به‌عنوان یکی از مصداق‌های فساد تشویق کند، به اتهام جرم مستقل موضوع ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی تحت تعقیب قرار می‌گیرد. افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به‌طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد:

الف. کسی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کند؛

ب. کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید.

خود زنان مرتکب جرم ظاهر شدن بدون حجاب نیز ممکن است به اتهام جرم تشویق به فساد تحت تعقیب قرار گیرند که در این فرض، با تحقق (تعدد معنوی) ارتکاب جرم، مجازاتشان تشدید می‌شود.

ماده دیگری که در خصوص این مورد است، ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصوب ۱۳۷۲ است. عدم رعایت پوشش اسلامی از جانب زنانی که کارمند دولت هستند، علاوه بر جنبه کیفری، بنا بر بند ۲۰ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، تخلف اداری نیز به شمار می‌رود. هیئت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان نیز مرجع رسیدگی به این تخلف است. این هیئت باید کارمند متخلف را به یکی از تنبیه‌های مقرر در ماده ۹ قانون یاد شده از اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدامی تا انفصال دائم از خدمات دولتی در دستگاه‌های مشمول این قانون محکوم کند. رأی هیئت یاد شده، حکم اداری است که جنبه کیفری ندارد. بنابراین، به دلیل مجرمانه بودن فعل رعایت نکردن حجاب اسلامی، این هیئت پس از آنکه به تخلف کارمند متخلف، رسیدگی شد و احراز تخلف صورت گرفت، باید پرونده مربوطه را برای رسیدگی به محاکم قضایی ارجاع دهد. مستند این تکلیف، ماده ۱۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری است که چنین مقرر داشته است: هرگاه تخلف کارمند، عنوان یکی از جرائم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد، هیئت رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است مطابق این قانون، به تخلف، رسیدگی و رأی قانونی صادر نماید و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی صالح ارسال دارد. هرگونه تصمیم مرجع قضایی مانع اجرای مجازات‌های اداری نخواهد بود.

بی‌اعتنایی مسئولان امر به اجرای قانون در برخورد با کارمندانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند، موجب گسترش این جرم در نهادهای حکومتی شده است. در این میان، قوه قضاییه نیز از این آلودگی در امان نبوده است، به گونه‌ای که رئیس این قوه در تاریخ ۱۳۷۹/۲/۲۷ در بخشنامه‌ای به واحدهای قضایی، اداری و سازمان‌های وابسته به قوه قضاییه چنین ابلاغ کرد: «گزارش اداره کل حراست و حفاظت قوه قضاییه حاکی از مشاهده پوشش نامناسب، آرایش غلیظ، آشکار بودن بخشی از موهای سر، بی‌تفاوتی برخی از کارکنان زن نسبت به تذکرات، عدم مراعات حجاب شرعی در بعضی از واحدها است.... رئیس‌ان و مدیران واحدهای قضایی و اداری و سازمان وابسته به قوه قضاییه با اتخاذ تدابیر مقتضی جهت نظارت بر شئون شغلی و اداری کارکنان خود، در صورت مشاهده تخلف، به وظایف قانونی خود بر اساس بندهای ۱ و ۲۰ و ۲۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری ۱۳۷۲ و سایر مقررات در این زمینه اقدام لازم به عمل آورند.»

در کشورهای غربی علی‌رغم عدم ممنوعیت حجاب در قوانین داخلی و کنوانسیون‌های بین‌المللی از قبیل اصل ۱۰ و ۴۴ قانون اساسی ترکیه، اصل ۲ قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه، اصول ۳، ۴، ۵، ۱۷ و ۳۳ آلمان، ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد، ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک، مبنی بر آزادی مذهبی و عقیدتی متأسفانه عملاً در جوامع غربی برخوردهای خشن و غیرانسانی با مظاهر حجاب و زنان مسلمان صورت می‌گیرد، نمونه آن قتل بانو شربینی در جلسه دادگاه توسط متهم و محرومیت از امتحان فرشته لادن تبعه

افغانستان به دلیل پوشش اسلامی و محرومیت از تحصیل لیلا شاهین دانشجوی دانشگاه بورصا ترکیه است (میر محمدی، ۱۳۸۶: ۳۷).

۴. شبهات حجاب

گفتیم که از نگاه دینی و جهان بینی اسلامی انسان عظمتی دارد و خلیفه الله است و راه طولانی در پیش دارد و برای طی این مسیر باید از موانع راه جدا شود. این نوع نگرش زیربنا و شکل و قدار حجاب را مشخص و شبهات راجع به این واجب شرعی را از بین می برد. در رابطه با حجاب شبهاتی مطرح می شود که لازم است به آن ها پاسخ داده شود. به اختصار مهم ترین این شبهات به شرح زیر است:

۱-۴. شبهه نیاز به مقبولیت

انسان موجودی است که نیازمند مقبولیت است و میل دارد که در دل دیگران جای گیرد و مورد قبول آن ها واقع شود، حسب ظاهر وجود حجاب مانع از این غریزه ذاتی انسان است. با وجود این حس و نیاز به مقبولیت در وجود انسان وقتی انسان عظمت خود را یافت و روح او عالی شد، دوست دارد به کسی خود را بنمایاند که بزرگ باشد و این بزرگ جز حق و با حق و برای حق نیست. علی (ع) در نهج البلاغه در وصف متقین می فرماید: «اذا رکی احد منهم خاف» (سید رضی، نهج البلاغه: خطبه ۱۹۲)؛ آنچه باعث این خوف می شود آن است که به جای توجه به حق او توجهات را به خود جلب کرده باشد و مانع حرکت خلق به سوی الله و متوجه به الله شده باشد. این انسان دیگر نیازمند توجه و تعریف خلق نیست، بلکه متوجه نگاه و رفتار خود است «يَعْصُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» انسان نباید اسیر خود شود و دیگران را به اسارت بگیرد.

۲-۴. خودداری مرد از توجه به زن

گاه گفته می شود که اگر زن حجاب مناسب ندارد، مرد نباید نگاه کند و نگاه خود را از نامحرم باز دارد. در پاسخ باید گفت: «انسان در یک جامعه مرتبط زندگی می کند و فساد دیگران به ما هم سرایت می کند و از سویی عاشق حق، عاشق خلق می شود و رنج و ناراحتی آنان را بر نمی تابد (عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست). انسان عاشق مؤمن نمی تواند شاهد از دست رفتن دیگران باشد، پس هر کس مواظب رفتار خود است که فسادی به بار نیاورد و دیگران را مبتلا نکند.»

۳-۴. شبهه نشاط

شبهه دیگری که مطرح می شود این است که حجاب باعث از بین رفتن نشاط می شود. لیکن با نگاه معرفتی باید گفت انسان آگاه تمام حرکاتش و رفتارش کنترل شده و از روی حساب است و با این تعقل و ارزیابی از نشاط باز نمی ماند. نشاط انسان در رشد استعداد های او شکوفا شدن آن ها است و انسان

مجموعه‌ای از استعدادهاست که باید جهت یابد و به رشد برسد وظیفه او حرکت است و در این حرکت لذت و لذت‌نگاری موجب از دست رفتن نشاط او می‌شود

۴-۴. کنجکاوی

ممکن است گفته شود که حجاب بیشتر مرد را کنجکاو تحریک می‌کند. پاسخ این است که کنجکاوی را با ولنگاری نمی‌توان حل کرد. کنجکاوی انسان برای لذت و شهوت و هرزگی نیست، بلکه برای آن است که چگونه رشد کند. کنجکاوی در زمانی شکل می‌گیرد که استعدادها و نیروها را بسته باشند، اما اگر آن‌ها را رهبری و هدایت کنند، موجب حرکت و شورونشاط بیشتر می‌شود و کنجکاوی کنترل می‌شود. هم استعدادها رشد می‌کند و هم نیروهای انسان رهبری می‌شود (صفایی حائری، ۱۴۰۲: ۳۲).

۴-۵. حل مسائل جنسی منهای حجاب

گاهی گفته می‌شود در کشورهای دیگر مسائل جنسی بدون حجاب حل شده است؛ اما بین هدر دادن استعداد و حل شدن باید فرق گذاشت. آیا استعدادها به رشد خود رسیده است یا حبس شده و به هرز رفته است؟ این حل شدن نیست، بلکه هدر دادن و ضایع کردن استعداد است؛ چه ریاضت باشد چه اسراف.

۵. فواید حجاب

درباره حجاب و سودمندی‌های آن بسیار سخن گفته‌اند و بی‌شک اثرات آن بر همگان روشن است. اما این‌گونه به نظر می‌رسد علت اصلی و فایده حجاب حفظ کرامت و شخصیت زنان است (جوادی آملی، ۱۳۷۶: ۴۳۸). علی‌رغم ظلم‌های تاریخی به زن و حقوق او؛ با طلوع اسلام ماهیت و جایگاه زن، آن‌گونه که باید باشد، نمایان شد. از نظر اسلام مرد و زن، با حفظ تمام ویژگی‌ها و تفاوت‌ها، انسان هستند و در انسانیت هیچ تفاوتی ندارند، تفاوت در تقوی است «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ» (سوره حجرات: آیه ۱۳) هر دو کامل، مستقل و آزاد هستند. از نظر اسلام، حجاب وسیله‌ای برای صیانت از زن و ارتقای شأن و شخصیت او است.

علاوه بر این فایده و اثر مهم حجاب به فواید دیگر هم می‌توان اشاره نمود، از جمله آرامش روانی برای افراد جامعه، جلوگیری از تحریک جنسی، کاهش مفاسد، کاهش مدپرستی، حفظ عفت، حضور مؤثر و توأم با کرامت زنان در جامعه، مبارزه با تهاجم فرهنگی، استحکام پیوند خانوادگی استواری اجتماع (مولایی، سعیدی اصل، ۱۴۰۰: ۱۷). همچنین تربیت فرزند صالح، انحصار لذت‌ها صرفاً در رابطه بین زن و مرد، رشد فکری و علمی جامعه و امنیت زن (مهدوی‌زاده، ۱۴۰۰: ۳۰۸).

در فرهنگ اسلامی فلسفه حجاب و دلایل آن تبیین شده و تبعات بدحجابی بیان گردیده است. همان‌گونه که در آیه‌های ۳۰ و ۳۱ از سوره نور تصریح شده، قرآن کریم نگاه مرد و زن را محدود کرده و آن

را رمز پاکی و طهارت روح آنان می‌داند. این پاکی و طهارت همان عفاف و پاکدامنی است که سد راه مفساد می‌شود و مرد و زن موظف شده‌اند عفت نفس را در غرائز نفسانی و امیال جنسی پاس دارند و پیرو هواهای نفسانی نباشند و نیز زن را مکلف کرده پوشش و روسری‌های خود را بر سر و گردن بیفکنند و زیور پنهان خود را جز برای همسر و محرمان آشکار نکند.

بنابراین، بر اساس آیات، روایات و فقه اسلامی، حدود نگاه و حجاب و مسائل غریزی در چارچوب شرع مقدس تبیین شده و تخلف از آن حرام و نامشروع است و فلسفه آن همان امنیت روانی، پاکدامنی، سلامت فرد، خانواده و سعادت جامعه بشری است و نگهداری از آن وظیفه فردی و خانوادگی و حاکمیتی است و سرپیچی از آن موجب ناکامی، نگون‌بختی، فساد و تباهی فرد، خانواده و جامعه است.

مطابق تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی: الف، «فلسفه حجاب چیز مکتوم و پنهانی نیست؛ زیرا، برهنگی زنان که طبعاً پیامدهایی همچون آرایش و عشوه‌گری و امثال آن همراه دارد، مردان مخصوصاً جوانان را در یک حال تحریک دائم قرار می‌دهد، تحریکی که سبب کوییدن اعصاب آن‌ها و ایجاد هیجان‌های بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روانی می‌گردد. مخصوصاً توجه به این نکته که غریزه جنسی نیرومندترین و ریشه‌دارترین غریزه آدمی است و در طول تاریخ سرچشمه حوادث مرگبار و جنایات هولناکی شده تا آنجا که گفته‌اند: «هیچ حادثه مهمی را پیدا نمی‌کنید، مگر اینکه پای زنی در آن در میان است»! آیا دامن زدن مستمر از طریق برهنگی به این غریزه و شعله‌ور ساختن آن بازی با آتش نیست؟ آیا این کار عاقلانه‌ای است؟

ب. آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش برهنگی در جهان، طلاق و ازهم‌گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا به‌طور مداوم بالا رفته است (ساسانی مهدیه، <https://www.ima.ir/news/85290074>). زیرا در «بازار آزاد برهنگی» که عملاً زنان به‌صورت کالای مشترکی (لااقل در مرحله غیرآمیزشی جنسی) در آمده‌اند، دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی‌تواند داشته باشد؛

ج. گسترش دامنه فحشاء و افزایش فرزندان نامشروع، از دردناک‌ترین پیامدهای بی‌حجابی است و دلایل آن مخصوصاً در جوامع غربی کاملاً نمایان است؛

د. مسئله «ابتذال زن» و «سقوط شخصیت او» در این میان نیز حائز اهمیت فراوان است، هنگامی که جامعه زن را با اندام برهنه بخواد، طبیعی است روزبه‌روز تقاضای آرایش بیشتر و خودنمایی افزون‌تر از او دارد و هنگامی که زن را از طریق جاذبه جنسی اش وسیله تبلیغ کالاها و دکور اتاق‌های انتظار و عاملی برای جلب جهانگردان و سیاحان و مانند این‌ها قرار بدهد، در چنین جامعه‌ای شخصیت زن تا سر حد یک عروسک، یا یک کالای بی‌ارزش سقوط می‌کند و ارزش‌های والای انسانی او به‌کلی به دست فراموشی سپرده می‌شود و تنها افتخار او جوانی و زیبایی و خودنمایش می‌شود و به این ترتیب مبدل

به وسیله‌ای خواهد شد برای اشباع هوس‌های سرکش یک مشت آلوده فریبکار و انسان‌نماهای دیو صفت! در چنین جامعه‌ای چگونه یک زن می‌تواند با ویژگی‌های اخلاقی‌اش، علم و آگاهی و دانائی‌اش جلوه کند و حائز مقام والایی گردد؟! (مکارم شیرازی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳: ۲۹۳).

استاد شهید مطهری از حجاب به عنوان یک حق الهی یاد می‌کند و معتقد است که حجاب زن مربوط به خود او نیست تا بخواهد از آن صرف نظر کند و یا مربوط به مرد نیست تا بگوید من راضی هستم. بلکه حجاب، یک حق الهی است و به هیچ کس ارتباط ندارد. زن به عنوان امین حق‌الله از نظر قرآن مطرح است؛ یعنی این مقام را و این حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست، به زن داده است. قرآن کریم زمانی که درباره حجاب بحث می‌کند، می‌فرماید: «حجاب، حرمت قائل شدن برای زن است که نامحرمان او را از دید حیوانی ننگرند. لذا نگاه کردن به زنان غیر مسلمان بدون قصد تباهی جایز است و علت این است که زنان غیر مسلمان از این نعمت بی بهره‌اند.»

حجاب در اسلام از یک مسئله کلی‌تر و اساسی‌تری ریشه می‌گیرد و آن این است که اسلام می‌خواهد انواع التذاذهای جنسی، چه بصری و لمسی و چه نوع دیگر به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد، اجتماع منحصراً برای کار و فعالیت باشد. برخلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با کام‌جویی‌های جنسی به هم آمیخته، اسلام می‌خواهد این دو محیط را کاملاً از یکدیگر تفکیک کند.

یکی از موارد مهم و چشمگیری که از فلسفه حجاب می‌توان بیان کرد این است که وجود حجاب برای استحکام پیوند خانوادگی است. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود، در حالی که در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود. اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود.

سیستمی را تصور کنید که آزادی‌های بی‌قید و شرطی در آن وجود دارد و چیزی به عنوان حجاب مطرح نیست. در این سیستم پسران تا جایی که ممکن است از ازدواج خودداری می‌کنند و فقط زمانی که شور و نشاط آن‌ها به سمت زوال پیش رود، به ازدواج رو می‌آورند. در این سیستم به زن به عنوان یک وسیله برای تولید مثل و خدمتکاری نگاه می‌شود. از جمله مورد مهم دیگری که می‌توان برای فلسفه حجاب ذکر کرد، استواری اجتماع است. اگر کام‌جویی‌های جنسی از محیط خانه به جامعه و اجتماع کشیده شود، باعث تضعیف و تحلیل رفتن نیروی کار می‌شود. بنابراین بی‌حجابی و رواج بی‌بندوباری موجب فلج کردن نیروی کار جامعه است.

نتیجه‌گیری

حجاب در لغت و اصطلاح به‌عنوان پوشش و مانع نگاه بر زیبایی‌های زنان و پوشیدن بدن به‌جز کفین وجه اطلاق می‌شود. حجاب متأثر از جهان‌بینی و ارزش‌ها است، از نگاه اعتقادی و دینی انسان دارای استعدادهای مختلف و متضادی است و این استعدادهای برای انسان مسئولیت می‌آورد و باید آن‌ها را در مسیر رشد و تعالی به کار گیرد و هدر دادن و استفاده نادرست از آن‌ها موجب مسئولیت است «لَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ». هدف اساسی نظام اسلامی رشد و تعالی انسان بر پایه قسط است و وظایف ادیان آسمانی به خصوص دین مبین اسلام قیام انسان‌ها بر اساس قسط است و این انسان برخاسته مقسط نیازمند مسیری است که جز سیر الی الله نمی‌تواند آن را سیراب سازد. پس باید حرکت کند آن هم حرکتی به‌سوی تعالی، لذا دنیا مسیر و گذرگاه و ممر است و محل ماندن و گنبدیدن نیست، بلکه محل تجارت و بهره‌برداری در مسیر بی‌نهایت الی الله است «خُذُوا مِنْ مَّوَارِثِكُمْ لِمَوَارِثِكُمْ»، در این مسیر تمام حرکت و توجه به سمت الله است. هیچ‌کس حق ندارد سنگ راه دیگران شود و اسلام به طرق مختلف با این موانع برخورد می‌کند، از جمله موانع بدحجابی است.

اسلام و حکومت اسلامی با ایجاد بینش و معرفت عمیق و ریشه و شخصیت دادن به انسان‌ها و تبدیل و ترکیب استعدادهای و دادن ملاک و تعلیم انسان‌ها را از قید و بند شهوات آزاد و این نیروها را در خدمت راه بی‌نهایت انسان به کار می‌گیرد. اسلام و حکومت اسلامی در راستای تضمین حرکت به‌سوی تعالی و رشد افراد و ایجاد بستر لازم و پاکیزه برای این حرکت با هر نوع مانع و مزاحم برخورد می‌کند. حجاب از ضروریات دین اسلام و رعایت آن واجب است.

حجاب شامل پوشش، گفتار، رفتار، نگاه و فکر نیز می‌شود. حکومت اسلامی وظیفه رشد و زمینه سعادت اخروی انسان‌ها را دارد برای این منظور با تمامی مظاهر فساد و تباهی از جمله بی‌حجابی باید مبارزه کند و می‌تواند افراد را به رعایت حجاب الزام کند. بی‌حجابی حرام و وظیفه دولت جلوگیری از عمل حرام است. حجاب دارای آثار فردی و اجتماعی گوناگون مفیدی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی تحت تأثیر تعالیم متعالی اسلام اهداف عالی‌ای برای انسان ترسیم و دولت را مکلف به ایجاد محیط سالم برای رشد و تعالی انسان نموده و در مقابل موظف به مبارزه با هر نوع پلییدی و آلودگی نموده است و در قوانین عادی با مظاهر فساد از جمله بدحجابی برخوردهای کیفی نموده است و حسب مورد مجازات نقدی، شلاق، حبس و مجازات انتظامی در نظر گرفته است. در جوامع دیگر با بی‌حجابی مشکل حجاب رفع نشده است، بلکه استعدادهای انسانی به هدر و هرز رفته است. در نگاه غربی انسان فاقد مقصدی غیر از این جهان مادی است. اصل لذت‌گرایی و لذت‌جویی است و اصالت با انسان و تن است و سعادت در برخورداری هرچه بیشتر از لذت مادی است. جامعه عاریتی و فرضی است و نباید مانع ارضا امیال فرد شود. بر مبنای اقتصاد سرمایه‌داری اصالت با مصرف کردن و مصرف شدن است. ارزش زن به

نمایش دادن زیبایی‌های اوست و روانشناسی جنسی تعیین‌کننده لباس است. علی‌رغم پیش‌بینی برابری افراد در برابر قانون و آزادی‌های عقیدتی در قوانین و معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی در عمل افراد مسلمان به دلیل پوشش خاص خود نه‌تنها مورد حمایت نیستند، بلکه به طرق گوناگون مورد آزار و اذیت پلیس، مقامات اداری و دیگر شهروندان این کشورها قرار می‌گیرند.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
ابن ابی جمهور، محمد. (۱۳۹۷). *عوالی اللئالی*. تهران: نشر آیت اشراق.
ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۳۸۵ ق.). *لسان العرب*، ج ۲، بیروت: بی نا.
احمد فرید هروی فرزاد. (n.d.). *منع حجاب در فرانسه*. بازیابی شده از:
<http://greenthought.persianblog.ir/post70>
بشیر، حسین. (۱۳۹۰). «سیاست فرهنگی تفاوت در بازنمایی حجاب اسلامی در رسانه‌های غربی». فصلنامه تحقیقات فرهنگی، (ش ۳).
جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۶). *زن در آئینه جلال و جمال*، ج ۲، قم: اسوه.
حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۸۶). *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، ج ۲، تهران: سروش.
دانش، اسماعیل. (۱۳۹۶). «فلسفه و حکمت حجاب در اندیشه امام خامنه‌ای». در مجموعه مقالات همایش ملی نگرش علمی کاربردی به عفاف و حجاب. تهران.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۰۲ ق.). *مفردات*، ج ۱، بیروت: دارالقلم.
رضوانی، سلمان. (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی مبانی نگرش زن در رسانه‌ها با رویکرد دینی و غیردینی». در مجموعه مقالات دین و رسانه. قم.
زیبایی نژاد، محمدرضا و سبحانی محمدتقی. (۱۳۷۹). *درآمدی بر نظام شخصیتی زن در اسلام*. قم: دارالتقلین.
سجادی، سید ابراهیم. (۱۳۸۶). *فلسفه حجاب*. نشریه پژوهش‌های قرآن، ۵۱-۵۲.
صفای حائری، علی. (۱۳۸۶). *مشکلات حکومت دینی*، ج ۱، قم: لیله القدر.
صفای حائری، علی. (۱۴۰۲). *حجاب و آزادی*، ج ۲، قم: موسسه بوستان کتاب.
فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۹۸۸ م.). *العین*، ج ۲، ج ۱، بی نا.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸). *با اصلاحات ۱۳۶۸*.
قانون مجازات اسلامی ایران. (۱۳۹۲).
قلمکاران، محمد و صدیقه حقیقی بروجنی. (n.d.). «بررسی واکاوی فلسفه حجاب». در هفتمین همایش مطالعات دینی علوم انسانی و اخلاق زیستی در جهان اسلام.
مجلسی، محمد باقر. (۱۳۶۸). *بحار الانوار*، ج ۶۷، ج ۴. تهران: انتشارات اسلامیه.
مصباح یزدی، مجتبی. (۱۳۸۷). *فلسفه/اخلاق*. قم: موسسه آموزشی امام خمینی.
مطهری، مرتضی. (۱۳۸۶). *مسئله حجاب*، ج ۷۳. قم: انتشارات صدرا.
مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۷). *تفسیر نمونه*، ج ۳۶. تهران: انتشارات اسلامیه.
مولایی پاره، برزو و سعیدی اصل، قدرت‌الله و سعیدی اصل، رضوان. (۱۳۸۶). «رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری»، ش ۸۷.
مهدوی زادگان، داوود. (۱۳۸۶). «پژوهشی در الزام حکومتی حکم حجاب». مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۶.

مهدی‌زاده، فاطمه و دیگران. (۱۴۰۰). «فلسفه حجاب و عفاف در قرآن کریم». در اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبائی. تهران.

مهدیه ساسانی. (n.d.). *زنان و بحران‌های اخلاقی زیست مدرن*. بازیابی شده از:

<https://www.irna.ir/news/85290074/>

میرمحمدی، مصطفی. (۱۳۸۶). «عدم ممنوعیت حجاب اسلامی از منظر حقوق بین‌الملل اقلیت‌ها». فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۷.

- International covenant on civil and political right 1996
- Universal declaration of human rights 1948
- United nation organization charter 1945
- Asyiqin abd halim and others, media and issue of *Hijab* and veil across europeancountries, journal of tamaddun, vol.17 (2) 2022-2023-211

In Persian

The Holy Quran.

Nahj al-Balagha.

Ahmad Farid, Heravi Farzad: *Hijab* in France: <http://greenthought.Persianblog.ir/post/70>.

Bashir, Hossein (2013), Cultural policy of differences in the representation of the

Islamic *Hijab* in the western media, Cultural Research Quarterly, No. 3.

Danish, Ismail (2016), Philosophy and wisdom of *hijab* in the thought of Imam Khamenei, collection of articles of the national conference of practical scientific approach to Continece and *hijab*, Tehran.

Farahidi, Khalil Ibn Ahmad (1988), Al-Ain

Ibn Abi Jumho, Mohammad (2017), Awali Aleali, Tehra, Ayat Ishraq Publishing.

Ibn Manzoor, Muhammad Bin Mokrram, 1385, Lesan al-Arab, Vol 2, Beirut, Bina.

Haddad Adel, Gholamali (2007), Culture of Nudity and Cultural Nudity, 2th edition, Tehran, Soroush.

Islamic Penal Code of Iran 2013.

Islamic Republic Constitution 1358 with the amendments of 1368.

Javadi Amoli, Abdullah (1997), A woman in the mirror of beauty and grandeur, 2th edition, Qom, Osveh.

Mahdizadeh, Fatemeh and others (2021), The Philosophy of *Hijab* and continence in the Holy Quran, The First National Conference of Humanities in Contemporary Wisdo, centered on Allameh Taba Tabaei, Tehran.

Mahdavidazegan, Davoud (2016), A study on the governmental requirement of *hijab* rulin, Women's Strategic Studies, vol. 36.

Majlesi, Mohammad Baqir (1989), Bihar al-Anwar, vol. 67, 4th edition, Tehran, Islamia Publishing.

Makarem Shirazi, Aasser and group of authors (2017), Tafsir Nemoneh, 36th edition, Tehran,

Islamia Publication.

Mesbah Yazdi, Mojtabi (2008), *Philosophy of Ethic*, Qom, Imam Khomeini Educational Institute.

Mir Mohammadi, Mustafa (2016), No prohibition of the Islamic *hijab* from the perspective of the international rights of minorities, *Women's Strategic Studies Quarterly*, No. 37.

Motahari, Morteza (2007), *Problem of Hijab*, Qom, 73th edition, Sadra Publishing.

Moulai Pardeh, Barzou, Saeidi Asl, Ghodratullah, Saeidi Asl, Rizvan (2007), *New Research Approaches in Management and Accounting*, Vol. 87.

Qalamkaran, Mohammad and Haqiqi Boroujeni, Sediqeh, *Review and Analysis of the Philosophy of Hijab*, 7th Conference on Religious Studies of Human Sciences and Bioethics in the Islamic World.

Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad (2023), *Mofardat*, first edition, Beirut, Dar-olelm.

Rizvani, Salman (2013), *A comparative study of the basics of the media's attitude to Women with religious and non-religious approaches*, *Religion and Media Articles*, Qom.

Safai Haeri, Ali (2023), *Hijab and Freedom*, 2 ed, Qom, Bostan Kitab Institute.

Safai Haeri, Ali (2007), *problems of religious government*, 1ed, Qom, Laylah al-Qadr.

Sajjadi, Seyyed Ibrahim (2007), *Philosophy of Hijab*, *Qoranic Research Journal*, 51-52.

Zibiyanejad, Mohammad Reza and Sobhani Mohammad Taqi (1990), *An Introduction to the Female Personality System in Islam*. Qom, Dar al-Thaqlain.